

معنا و صدق: نظریه معنای دیویدسن

مهدی ذاکری*

استادیار پردیس قم - دانشگاه تهران

چکیده: نظریه معنای دیویدسن تابع رویکرد کلی معناشناسی صوری است. در این رویکرد، معنای جمله تابع معنای اجزای جمله است. این همان اصل ترکیب است که به نظر دیویدسن هر نظریه معنایی باید جایی برای آن باز کند. یک عنصر اساسی در نظریه معنای دیویدسن استفاده از نظریه صدق تارسکی است، زیرا نظریه صدق تارسکی می‌تواند جایی برای اصل ترکیب باز کند، اما بدین منظور باید شرایطی داشته باشد. نخست اینکه قابل اطلاق بر زبان‌های طبیعی باشد، دوم اینکه قابل آزمون تجربی باشد و سوم اینکه قدرت تفسیر داشته باشد. دیویدسن در مقاله «معنا و صدق» (Davidson 1984: 17-36) اصل نظریه‌اش را مطرح می‌کند و در مقالات دیگر و مهم‌تر از همه در «تفسیر ریشه‌ای» (Ibid: 125-139) تلاش می‌کند تا با کمک اصولی همچون اصل یکسانی نوع بشر و کل‌گرایی نشان دهد که نظریه صدق شرایط فوق را دارد. یکی از مهم‌ترین اشکالاتی که به نظریه معنای دیویدسن وارد شده است ناسازگاری کل‌گرایی در معنا با اصل ترکیب است که دامت آن را مطرح می‌کند.

واژه‌های کلیدی: نظریه معنا، داند دیویدسن، نظریه صدق، اصل یکسانی نوع بشر، کل‌گرایی، تفسیر ریشه‌ای.